

اولین مہد تمدن دنیای قدیم آفریقا است

بقلم دکتر ل. س. ب. لیکی

انسان شناس شہر و مؤلف معروف انگلیسی

بارہای از علمای انسان شناس اخلاق و اعتقادات طوایف وحشی دنیای حاضر را مورد مطالعه و فحص و تدقیق خود قرار میدهند و میخواهند از طرز زندگی و آمیزش آنها با یکدیگر بی بروحیات و اخلاق انسان اولیه ببرند و عدلہ ہم تمدن قدیم مصر و بین النہرین را در نظر می گیرند ولی عدلہ بسیار محدودی مثل من قائلند کہ دورہ حجر را برای تکمیل معلومات خود مورد مطالعه و تدقیق قرار دهند .

من اولین کسی نیستم کہ باین فکر افتاده ام علمای دیگری قبل از من اطلاعات مفیدی را جمیع به دورہ حجر بدست آورده اند ولی متأسفانہ آن اطلاعات کامل نیست و هنوز قسمتهای مبہم و تاریکی مانده است کہ بایست روشن و ہرہدا گردد. من خیالی مایل بودم کہ ہم این قبیل معلومات را توسطہ دہم و ہم قسمتهائی کہ هنوز نا معلوم است مبرهن و واضح سازم و افریقای شرقی را برای این منظور برگزیدم .

یکی از دورہ های مشہور دورہ حجر دورہ حجر صیقلی است و من آنرا دورہ تمدن تیردستی مینامم چونکہ اولین اثری کہ از این دورہ بدست آمد يك تبر دستی بود .

با اینکه این دورہ بسیار مشہور میباشد اما اطلاعاتی کہ در بارہ آن داریم ناقص است و هنوز تحقیقات زیادی لازم دارد از روی تحقیقاتی کہ شدہ است چنین برمی آید کہ این تمدن در یک زمان معین در انگلستان فرانسہ و اسپانی و افریقای شمالی وجود داشته . من معتقد بودم کہ این تمدن از انگلستان تا افریقای شرقی عمومیت داشته . این يك نشوری و فرضیہ محض بود و خواستم کہ آنرا بشہوت برسانم و بدلائل متقن و آثار حقیقی آنرا مکشوف سازم .

چند سال قبل از آنکہ فعالیت خود را شروع نمایم آثاری از این دورہ در افریقای شرقی بدست آمد ولی محل و طرز پیدایش آنها قسمی نبود کہ بتوان تاریخ حقیقی آنرا معین کرد . از این لحاظ مصمم شدم کہ آثار دیگری بدست آورم کہ بتوانم تاریخ آن را معین نمایم . ولی قبل از آنکہ بشرح زحمات خود پردازم مایلم کہ بطور اختصار بگویم کہ چگونه ممکن است تاریخ این آثار دورہ حجر را کہ هیچ قسم کتابت و خط در آن عصر وجود نداشته معلوم نمایند .

این غیر ممکن است کہ تاریخ و سال حقیقی يك آثاری از آن دورہ را معین کرد بلکه تاریخی را کہ علما از روی آثار و قراین حدس میزنند و معین میکنند تخمینی است .

علم انسان‌شناسی بخودی‌خود قاصر است که این تاریخ را معین کند بلکه در تعیین تاریخ مجبور است از علوم دیگر مخصوصاً علوم‌معرفة‌الارض، فسیل‌شناسی، و امثال آن کمک بگیرد و به کمک این علوم میتوان دورهٔ حجرا بیچند دورهٔ متمایز و مشخص تقسیم کرد.

مثلاً امروز در قسمتهای مختلف انگلستان میتوان گلهای رسوبی که شبیه به گلهای کرینلند کنونی باشد پیدا کرد و از تشابه این دو جنس گل با یکدیگر میتوان گفت که انگلستان هم در يك عصری هوای قطبی داشته و سراسر مملکت مستور از قطعه‌های بخر بوده و هوای قارهٔ اروپا برآنتب از هوای فعلی آن سردتر بوده است.

از طرف دیگر علمای معرفة‌الارض رسوبات دیگری را شبیه به شن و سنگ ریزه‌های ته رودخانه پیدا نموده‌اند و این قسم رسوبات فقط در موقعی پیدا میشود که رودخانه‌ها پر آب باشد. واضح است هنگامی که هوا خیلی سرد باشد آب رودخانه‌ها منجمد میشود و اینگونه رسوبات پیدا میشود. این علما اظهار می‌کنند که این رسوبات هنگامی پیدا شده که هوای انگلستان برآنتب از هوای کنونی آن گرمتر بوده در این جا يك تناقض و اختلاف نظری بین علما پیدا میشود.

علما برای حل این اشکال تحقیقات و تدقیقات زیادی کردند و از روی آثار دیگری هم که در نقاط مختلف عالم بدست آورده‌اند باین نکته بر خوردند که این تغییر هوا چندین دفعه در دنیا رخ داده باین معنی که در وهله اول هوای زمین بسیار سرد بوده و بعد هوا گرم شده و مجدداً سرد شده و دنیا تحولات و تغییرات جوی زیادی بخود دیده است تا بحال کنونی رسیده است.

تحقیقات علمای فسیل‌شناسی هم کاملاً مؤید این نظریه شد باین معنی که در يك نقطه معین استخوانهای حیوانات سردسیری مثل ماموت، و گوزن شمالی و استخوان حیوانات گرمسیری مثل فیل و شیر پیدا کردند و مسام است که در هوای گرم این دونوع حیوان نمی‌تواند پرورش و نشو و نما یابد و همچنین در هوای سرد پس بطور قطع میتوان گفت که این دو قسم حیوان در دو عصر مختلف با هوای مختلف بوجود آمده‌اند.

ممکن است که نظریات علمای در وهله اول متناقض بنظر برسد ولی هنگامیکه دامنهٔ تجربیات توسعه یافت تجربیات آنها در يك نقطه تلافی می‌نمایند و هیچ اختلافی در نظریات و تجربیات آنها نیست بلکه مؤید تجربیات و کارهای یکدیگر میشوند.

هر يك از این دوره‌های سرد و گرم هزارها سال طول کشیده و هر يك از آنها يك دوره ازادوار مشخص عهد حجر بشمار می‌روند و همین تقسیمات کمک زیادی به علمای انسان‌شناسی میدهد و آنها را قادر می‌سازد که بگویند هر سنگی متعلق بچه دوره میباشد.

واضح است که بعضی اوقات با وجود داشتن این انگاره تعیین تاریخ و دورهٔ يك آلت سنگی بسیار مشکل میشود و نمیتوان گفت که رسوب این سنگ در چه دورهٔ صورت پذیرفته ولی اگر در جوار و نزدیکی آن یا با همان سنگ استخوانهای حیوانات و فسیل پیدا شود تعیین آن سهل و

آسان میشود چونکه علمای فسیل شناسی میتوانند بگویند که استخوان حیوان گرمسیری یا سردسیری است. مثلا يك قسم فیلی در اروپا قبل از آخرین یخ بندان وجود داشته که موسوم است به «فیل عتیق» و این حیوان در موقعی میزیسته که «تمدن تبر دستی» در سراسر اروپا رواج و رونق داشته است.

پس از تمهید این مقدمات و بیان طرز تعیین تاریخ هر آلت سنگی بشرح کارهای خود در آفریقا میپردازم.

علمای علم جو ثابت نمودند که آفریقا هم دستخوش تغییرات هوایی که بشرح آن برداشتم بوده است. بواسطه تجربیات و تحقیقات ثابت نمودیم که در آفریقای شرقی سه دوره موطوب وجود داشته و در این دوره ها رودخانه های متعدد و زیاد پیدا شده و آب آنها هم بمراتب بیش از امروز بوده است. از رسوبات زیاد که بدست آمد این نظریه ثابت شد هنگامی که این رسوبات را مورد مطالعه و تدقیق قرار دادیم بزودی آثار زیادی از دوره حجر و فسیل های زیادی پیدا کردم.

دکتر سالامای؟ یکی از اعضای مبرز هیئت يك تبر شکسته را در محلی موسوم به کاریاندوسی پیدا کرد و بعد عددی از کارگران را بکمک خود طلبیده و شروع بجاری نمود و در نتیجه آثار بیشتری بدست آمد و در نتیجه کاوش و مطابقه این آثار مختلف بیکدیگر چنین دریافتم که تمامی آنها از کوه مجاوری که در آن عصر وجود داشته کنده شده است.

اما این آثار کافی نبود که تمام جزئیات را برای من مکشوف و هویدا سازد چونکه من میخواستم تاریخ حقیقی این آثار را بدست بیاورم و بدانم که قدمت این آثار بیشتر بوده است یا آثاری که در اروپا پیدا شده.

با کوشش بیش از پیش بعملیات خود ادامه دادیم ولی مقاصفانه آن آثار و مخصوصا فسیل هائی که برای آنها رنج می بردم یات نشد.

از این لحاظ فقط بهمین آثاری که یافت شده بود اکتفا نمودم و آنها را برداشته با خود بانگلستان بردم تا آنها را با آثار دیگری که علما پیدا کرده بودند مطابقه نمایم که شاید در اثر سنجش نظریات و کشفیات خود با سایرین بتصمیم قطعی برسم.

یکی از علمای زمین شناس معروف آلمانی موسوم به دکتر راک؛ در سال ۱۹۱۳ با فریقای شرقی مسافرتی نموده و در تانگانیکاه رسوبات دریاچه بزرگی را باسم الدوی پیدا کرده بود که فعلا کاملا خشک شده است. در آن رسوبات فسیل های حیوانات زیادی من جمله فیلهای موسوم به فیلهای عتیق که قطعا منحصرا بدوره حجر صیقلی بود پیدا کرد، و از روی قراین و آثار چنین استنباط نمود که این دریاچه دستخوش زلزله های زیادی شده. پس برای یافتن معلومات زیادتری فوراً بران رقتم و با خود دکتر راک داخل مباحثه شدم. مشارالیه اظهار داشت که در نزدیکی این فسیل ها هیچ قسم آثار سنگی ندیده است.

Dr. Solomon — ۲

Dr. Reck — ۴

Oldowey — ۶

Elephas antiquus — ۱

Kariandusi — ۲

Tanganyika — ۸

ولی بر خلاف اظهارات دکتر رلنمن معتقد بودم که فقط همین دریاچه میتواند مشکلات مرا حل کند و آنچه که سالها عقب آن میگشتم در این رسوبات میتوانم یافت. در سال ۱۹۳۱ هیئت دیگری را تشکیل دادم و محل رودخانه «الداوی» رفتم. مخارج این سفر برای ما خیلی گران تمام شد ولی امید داشتم که پیدایش این آثار جبران مخارج را بنماید.

پس از چندی کاوش یکی از این آثار را بدست آوردیم و چون به عملیات خود ادامه دادیم آثار زیاد تری پیدا شد، و آثاری که در این محل یافتیم با آثاری که سابقاً یافته بودم بامساعدت چندین از متخصصین علوم مختلف مقایسه کردم و چنین دریافتم که این آثار با آثار «کاربان دوسی» در یک عصر بوده است.

بعد علمای فسیل شناس اظهار داشتند که قدمت این آثار دوره حجر صیقلی بیش از آن آثاری است که در اروپا یافت شده.

این نقطه گرچه تا بحال چندان توجه علمای انسان شناس را بخود جلب نکرده ولی من قطع دارم که در اثر افزایش معلومات در آینده اهمیت زیادی پیدا خواهد کرد و این مسئله غامض و مشکل را که تمدن دروخته اول از کجا شروع شد و بسایر نقاط انتشار یافت حل خواهد کرد.

اثر صدا های غیر مسموع در گیاه

پروفسور «رزو کین» روسی اخیراً تجربیاتی بعمل آورده معلوم نموده است که اگر تخم گیاه در معرض امواج صدائی که بگوش انسان نمیرسد واقع گردد، زود تر از تخم گیاه های معمولی رشد و نمو میکند. مثلاً دانه نخودی را برای سه دقیقه در معرض امواج مذکور قرار داده و در نتیجه دانه مذکور خیلی زود تر از دانه های دیگری که در تحت شرایط عادی نمو مینمایند، روئیده است.

برای بر داشتن عکس از قسمت های بدن

اخیراً بکندستگاه عکاسی اختراع شده که دارای مانند سوزن انزکسیون قسمتی از آن داخل بدن شده و مستقیماً از اعضای بدن برای مقاصد طبی عکس بر میدارد. جزئیاتی که سابقاً با «رئون ایکس» ممکن نمیشد در عکس ها تعیین گردد اکنون با این دستگاه عکاسی با کمال دقت برداشته میشود و با کمال وضوح اگر عضوی معیوب یا ناقص باشد معلوم میگردد. این اختراع توسط یکنفر ژاپنی شده و خیلی عکس برداری طبی را آسان نموده است.